

اجاره حیاط مدارس در سایه کمبود بودجه!

درحالی که بسیاری ازمدارس کشوربا کمبودمنابع مالی برای تعمیرونظهدیاری فضاهای آموزشی دست‌وپنجه‌نرم می‌کنند، اداره‌دادن حیاط‌وفضاهای مدارس بعضی‌ها را هکابرغمی‌رسی برخی مدارس تبدیل‌شده،راهکاری که هرچندبه تأمین بخشی از هزینه‌های مدارس می‌تواند کمک کند،اما نگرانی‌هایی جدی دربارهٔ تأمین امنیت وحفظ هویت فرهنگی محیط‌های آموزشی ایجاد کرده‌است. به گزارش ایسنا، درسال‌های اخیرفشارمالی برمدارس دولتی ومحدودیت بودجه‌های عمرانی وجاری برخی مدیران رابه‌سوی منابع درآمدی جایگزین سوق داده‌است؛ یکی ازاین منابع، اجاره‌فضاهای بلااستفاده یانیمه‌فعال مدارس به‌دکه‌های اغذیه‌فروشی و پارکینگ‌های خودرو است. این تصمیم، هرچند با نیت جبران بخشی از هزینه‌های مدارس اخذ می‌شود اما سوآلاتی را در ذهن متبادر می‌کند که آیا مدرسه فضایی تجاری است؟! اجاره مدارس در ساعات غیرآموزشی و روزهای تعطیل امری مجاز ومطلوب است؟ مرز میان تأمین منابع مالی وخدشه به فضای پرورشی وتربیتی کجاست؟ چه پیامدهای فرهنگی، اجتماعی وحی روانی بر دانش آموزان دارد؟ و... بسیاری از مدیران مدارس می‌گویند اجاره دادن بخشی از فضای مدرسه نه از سر میل، بلکه از ناچارای اقتصادی است. کاهش بودجه‌های آموزش وپرورش، افزایش هزینه‌های نگهداری ساختمان‌ها وتأخیر در تخصیص اعتبارات و... دلیلی برای راهی شدن به این سمت وسوی و تأمین منابع درآمدی جانبی هم عنوان می‌شود. به گفته یکی ازمدیران مدارس، وقتی برای رنگ زدن دیوارها یا تعمیر سرویس بهداشتی مدرسه باید چند ماه منتظر اعتبار ماند، اجاره دادن بخشی از حیاط به‌عنوان پارکینگ ماشین در روزهای تعطیل گاهی بر رفی ازاین تنگناست. این اقدام اگرچه در ظاهر پاسخی موجه به کمبودهای بودجه‌ای است، اما در عمل می‌تواند زمینه‌ساز تجاری شدن فضاهای آموزشی و از میان رفتن مرز میان مدرسه وبازار درآمد باشد این در حالی‌ست که کارشناسان تعلیم وتربیت معتقدند مدرسه تنها محل آموزش درسی نیست، بلکه فضایی فرهنگی وتربیتی است که باید از هرگونه آلودگی تجاری یا تبلیغی دور بماند. از جنبه قانونی نیز اجاره دادن فضای آموزشی به اشخاص حقیقی در مقررات آموزش وپرورش به‌صراحت مجاز نیست بااین حال، در نبودن نظارت کافی برخی مدارس به‌صورت غیرمبادی باغیررسمی اقدام به واگذاری فضا می‌کنند. اما واکنش خانواده‌ها به این موضوع متفاوت است؛ برخی معتقدند اگر حضور یک مغازه یا دکه سیار کوچک باعث بهبود وضعیت مالی مدرسه شود، اشکالی ندارد اما گوهی دیگر نگران اثرات تربیتی آن هستند چرا که مدرسه رابه‌عنوان جای امن برای بچه‌ها انتخاب کرده‌اند ووقتی افراد غریبه در حیاط رفت‌وآمد می‌کنند یا بچه‌ها مدام در معرض خریدوفروش باشند، دیگران حس امنیت از بین می‌رود. حسین صادقی، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش وپرورش در گفت‌وگویی با ایسنا، درخصوص اجاره حیاط مدارس به برخی اصناف وتبدیل شدن آن‌ها به پارکینگ خودرو و موتورسیکلت گفت: تحت هیچ شرایطی امکان واگذاری املاک وفضاهای آموزشی، برای مصارف غیراز تعلیم وتربیت را نداریم. آنچه مسلم است مأموریت اصلی آموزش وپرورش، تعلیم وتربیت دانش آموزان است واز فضاهای آموزشی وتربیتی باید صرفا برای اهداف آموزشی و پرورشی، استفاده شود. وی با تأکید بر ضرورت استفاده از فضاهای آموزشی برای آموزش و پرورش، افزود: هیچ مدیر مدرسه‌ای حق واگذاری یا اجاره جزء یا یکی از فضاهای آموزشی به هیچ بخش یا حوزه‌ای باهدف کسب درآمد، حتی برای مدارس را ندارد و این یک اصل کلی و لازم الاجراست. رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش وپرورش، با بیان این که طبق قانون مولد سازی، می‌توان از املاک کما‌المارده دستگاه مطابق قانون و یادریافت مجوز لازم برای سایر مصارف استفاده کرد، ادامه داد: در مواردی این امکان وجود دارد که می‌توان املاک یا کاربری تجاری را از این مسئله مستثنی دانست وتخصیص مازاد بودن این املاک ومستلوثیت تصمیم آن برعهده مدیرکل آموزش وپرورش هراسان یا مقام مجاز از سوی ایشان خواهد بود. صادقی افزود: در صورت مشاهده داریافت گزارش مبنی بر اجاره حیاط یا بخشی از واحد آموزشی به غیر، کارشناسان حقوقی ادارات آموزش وپرورش باید ورود پیدا کرده واقدامات قانونی در این خصوص را به انجام رسانند. وی ادامه داد: مدیران مدارس با این مناطق و یا هر فردی که اقدام به اجاره حیاط مدارس حتی در زمان تعطیلی مدارس وعدم حضور دانش آموزان کرده باشد، مرتکب تخلف شده وباید مطابق قوانین ومقررات مربوط باای برخورد قانونی شود. صادقی در پاسخ به این سؤال که برخی مدیران مدارس علت اجاره حیاط مدارس را جبران هزینه‌های مدارس اعلام می‌کنند، اظهار کرد: مدیران مدارس در صورت عدم کفایت سرانه مدرسه برای هزینه‌های جاری می‌توانند زمینه‌های جذب مشارکت‌های مردمی آن‌هم به‌بالا بیاورند که به‌صورت داوطلبانه رافراهم کنند. وی در پاسخ به سؤال عدم کفایت سرانه مدارس برای تأمین هزینه‌های آب وبرق و گاز و... گفت: طبق قوانین موجود هزینه‌های آب وبرق و گاز مدارس به‌شروط رعایت الگوی مصرف رایگان است و مدیران مدارس می‌توانند با اصلاح الگوی مصرف از تحمیل این گونه هزینه‌ها به مدرسه جلوگیری کنند واین دلیلی برای اجاره حیاط، کلاس یا بخشی از مدرسه نیست. نمود واقداماتی ازاین دست کلامیغیر قانونی است وتبعات قانونی آن متوجه مدیر مدرسه خواهد بود.

■ ■ ■

کاهش تکرار پایه با اجباری شدن پیش‌دبستانی

رئیس سازمان ملی تعلیم وتربیت کودک با تأکید براین که آموزش باید از سنین پایین‌تر آغاز شود، گفت: بسیاری از مشکلات موجود در فرایند و مسیر تحصیلی و آموزشی ناشی از دیر آغاز کردن آموزش است. به گزارش ایسنا، حمیدرضا شیخ‌الاسلام، رئیس سازمان ملی تعلیم وتربیت کودک در نشست با مدیرکل، معاونان و رؤسای مناطق آموزش وپرورش شهرستان‌های استان تهران، گفت: شخص وزیر تأکید بسیاری دارد که جلسات آموزش وپرورش در سطح مناطق ونواحی گسترده شود؛ چرا که این موضوع سبب خواهد شد تصمیمات باگذا جامه علمی ومبتنی برصدمیادان واقتیبات‌های آن اتخاذ شود. وی نگاه علمی را لازمه مدیریت دانست و افزود: امروزه انتظارات جامعه، حاکمیت ودولت از آموزش وپرورش بسیار بالاست. شیخ‌الاسلام اولین عامل مدیریتی را توسعه‌دانست وافزود: توسعه‌زاده تغییر به معنای رشد است؛ وموضوعی که همواره مورد سنجش مدیران و مدیران تحول گرا قرار دارد، معان وزیر آموزش وپرورش تصریح کرد: مدیر نباید در برابر تغییرات مقاومت داشته باشد؛ البته منظور از تغییر اصلاح نگرش‌های قبلی است. این مهم زمانی محقق خواهد شد که مدیران به جای تملک سازمانی، تعلق و وابستگی داشته باشند. وی تأکید کرد: اغلب مدیرانی که حس تملک سازمانی دارند، مسئله گریزند و در برابر تغییر در نگرش‌ها و رویکردها و اصلاح آن‌ها مقاومت دارند. رئیس سازمان ملی تعلیم وتربیت کودک با تأکید براین که قدرت عملیاتی، نتوانایی نفوذ در افراد برای انجام یک کار مشخص است، خاطرنشان کرد: محبویت، مقبولیت وتوانمندی مدیر و سبب‌گیری اصلی مدیران قدرتمند است. وی اطلاعات علمی وآمار دقیق وشرط اصلی برنامه‌ریزی دانست وخاطرنشان کرد: تنها برنامه‌هایی قابلیت اجرا دارند که مبتنی براین دواصل باشند. گام سوم، نظارت است که هنگام سفر در این بخش قسمت گسترده‌ای صورت گرفته‌است. شیخ‌الاسلام آموزش درمناطق واریشه بسیاری از مشکلات کنونی دانست وخاطرنشان کرد: اگر آموزش رودتر شروع شود، بسیاری از چالش‌های مسبرو فرایند آموزشی رخ نخواهد داد. رئیس سازمان ملی تعلیم وتربیت کودک در ادامه اشاره به اهمیت جایگاه این سازمان در آغا ز به موقع آموزش، خاطرنشان کرد: دقیقاً در زمانی که دولت تصمیمات تقابلی‌شده را می‌گیرد و به سمت چپ‌انسان حرکت می‌کند، این سازمان توانست بیش از ۴۰۰ پست سازمانی را در استان‌های مختلف تخصیص بگیرد؛ وموضوعی که گشتان آن‌ها هنده‌هاجم دولت وشخص رئیس مجبور وسدالنگاه دویژه وزیر آموزش وپرورش به مسئله تعلیم وتربیت کودک و آغا ز آموزش از سنین پایین است.

براساس گزارش مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش وپرورش، وی دریایان با تأکید براین که پیش‌دبستانی زیرساخت توسعه‌است، یادآور شد: تکرار پایه ه‌ر دانش آموز چند ۸ میلیون تومان برای دولت هزینه در بر دارد؛ در چنین شرایطی اگر پیش‌دبستانی جدی گرفته شود وبه‌عنوان یک دوره اجباری شود، قطعا تکرار پایه به‌شدت کاهش خواهد یافت؛ بنابراین اجباری شدن دوره پیش‌دبستانی ۲ حتی از این منظر نیز توجیه علمی دارد. به همین دلیل درصدد اجباری شدن این دوره هستیم.

من کجا؟ باران کجا؟

ادامه از صفحه اول

بسیاری از ما، در مسابقه رسیدن به خط پایان فرضی، چنان غرق در آینده شده‌ایم که اکنون را زیاده‌برده‌ایم. زندگی ما شبیه به کنه‌نوردی است که تمام تمرکز و توانش بر قف قله است بدون لحظه‌ای توقف برای نفس کشیدن و دیدن منظره‌ها. آوینی وقفه تلاش می‌کند، از همه لذت‌های می‌گذرد تا به هدف برسد، اما وقتی بالا‌بره به قله می‌رسد، نه تنها نایی برای لذت بردن از شکوه قله در تنش باقی مانده، بلکه سرمایه‌ای برای ماندن و بهره‌برداری از دستاوردها ندارد. این کنه‌نورد، تمام مسیر را با خود بیگانه بوده و حتی در اوج موفقیت نیز تهی و تنهاست. رسالت شمر در این جهان پرشتاب، همین درنگ و مکث اجباری است. شعر، به کمک ما می‌آید تا برای یک لحظه هم که شده، از دوییدن دست بکشیم و «خوت» و «اکنون» داشته باشیم. شعر، نه فقط فرار از واقعیت، بلکه راهی برای رویارویی واقعی با خودمان است. وقتی آوانگس قیصر، فروغ یا شاملو در هن من ماک می‌شوند، ما را مجبور می‌کنند تا سکوئی از چنین تفکر عمیق داشته باشیم.

این سکون، خلوئی است که در آن می‌توانیم صدای «چک چک باران» رانه صدای یک تهدید، بلکه زبان محرمه طبیعت یا پنجره روحمان بشنویم. شعری گوید که «خود ما»، گنجینه‌ای است که در تکیاوی بی‌مان زندگی کم شده است. تنها با درنگ است که می‌توانیم دوباره «خودمان» را پیدا کنیم؛ خود شنسته و کویری که بیش از هر سد یا محصولی، به یابردی و توجه ما محتاج است.

۶ پنج‌شنبه ۸ آبان ۱۴۰۴

۸ جمادی الاول ۱۴۴۷ = ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵

خوشبختی هموار می‌کوبد
آیندای ترین پرشش‌های بشر
بوده است. همه در جست‌وجوی خوشبختی هستند
با وجود این انسان‌ها از خوشبختی بی‌دانش‌روشنی ندارند.

شادمانی و احساس آسایش نشان اصلی خوشبختی است. اما چگونه می‌توان به‌آن رسید؟ اختلاف میان دیدگاه‌هایسیار است، گفته‌اند که ثروت مندند اما معمولاً خوشبخت‌تر نیستند. با این حال آن‌ها که بر ثروت خویش می‌افزایند به تناسب افزایش ثروت لزوماً خوشبخت‌تر نیز نیست‌نمی‌شوند. نتایج بررسی‌های مینبامطهری، دانش‌آموخته اقتصاد و پژوهشگر نشان می‌دهد که رفاه مادی‌نمی‌تواند به تنهایی خوشبختی‌آمی را تضمین کند. او همواره گوشه‌ده ثابت‌کند که رفاه روزافزون در جوامع پیشرفته، الزاماً به احساس سعادت نمی‌انجامد. امملاک خوشبختی چیست؟ اقتصاددانان تا کنون بر اساس میزان درآمد سرانه خوشبختی را اندازه می‌گیرند؛ اما هرچند درآمد سرانه ملی در جوامع صنعتی و پیشرفته پیوسته افزایش یافته، اما بر خوشبختی شهروندان به‌این میزان افزوده نشده‌است. مینبامطهری از اینجابه‌ای نتیجه می‌رسد که رشد صنعتی نمی‌تواند ملاکی برای خوشبختی آدمی باشد. مردم در جوامع صنعتی به‌ظاهر سعادتمندتر از مردم جوامع عقب‌مانده یا در حال توسعه هستند، ولی این راهم باید در نظر داشت که در جوامع صنعتی در کنار رفاه مادی، آفت‌هایی مانند افسردگی و تنهکاری نیز رشد می‌کنند.

مطابق نظریه‌های مطهری عواملی وجود دارد که بیش از رفاه در احساس خوشبختی مؤثر هستند. به نظر این پژوهشگر رابطه صمیمانه با همسر و نزدیکان است که آدمی را خوشبخت می‌سازد. او با آوردن شواهدی نشان می‌دهد که خوشبختی را صرفاً در موفقیت شغلی و پیشرفت حرفه‌ای و مالی می‌جویند و از خانواده و دوستان غافل می‌شوند به‌رغم رفاه و کامیابی حرفه‌ای. آن‌ها به‌شدت احساس بدبختی می‌کنند.

زندگی چیزی بیش از احساس خوشبختی است
درحالی که بدون تردید مردم به‌رآوردشدن نیازهای اصلی‌شان به پول کافی احتیاج دارند، ولی علاوه بر درآمد دیگر می‌هستند که تا حد قابل‌توجهی به احساس رفاه و خوشبختی کمک می‌کنند.

مینبامطهری، در گفت‌وگو با «ما» در بخش دیگری از سخنانش بر این مهم تأکید می‌کند که حتی به‌طور غیرمستقیم نباید هدفمان خوشبختی بلکه کمک‌به‌خوشبختی باشد که می‌توانیم خوب زندگی کنیم. این‌بدان معنائست که باید تلاش کنیم تا ناخرسند باشیم یا نسبت به خوشبختی بی تفاوت نباشیم. آنچه چیزی بی‌شمار از احساس خوشبختی‌است، خوب زندگی کردن یعنی زندگی در دنیای واقعی، تعامل با افرادی که دوستشان داریم و انجام فعالیت‌هایی ارزشمند، حتی اگر باعث درد ورنج شود. وقتی این کارها را انجام می‌دهیم، مسیر ی غیرمستقیم به‌سوی آنچه واقعاً مهم‌است، خوشبختی خودمان در پیش نمی‌گیریم، بلکه به آنچه مهم است، واکنشی درخوَر نشان می‌دهیم.

این پژوهشگر معتقد است: برخلاف آن‌هایی که هدف خوشبختی را بسیار محدود و تقلیل یافته می‌دانند و آن را با رضایت ذهنی و کسب درآمد صرف یکی می‌دانند، هدف از خوشبختی امری معنایی است. بهترین راه‌دهد دور از دسترس‌اند و تلاش برای دستیابی به آن تنها باعث رنجش می‌شود. چشم‌دوختن به زندگی ایده‌آل رویپول، اشتباهی‌است که کسانی که هدفشان خوشبختی است مرتکب می‌شوند. آن‌ها از یاد می‌برند که باید

در دنیایی که «هست» زندگی کنیم، نه در دنیایی که دلمان می‌خواهد «وجود داشته باشد».

مطهری در پاسخ به این پرسش که باید برای چه چیزهایی تلاش کنیم؟ می‌گوید: نه‌برای خوشبختی یا زندگی ایده‌آل، بلکه برای یافتن معنایی در دنیا تا از زنده‌بودن خود خوشحال باشیم، و وقتی زندگی سخت شد، با آن به‌خوبی کنار بیاییم. او فقرا هستند، با این حال آن‌ها که بر ثروت خود خوشحال‌اند که ذهنشان به چیزی غیر از کسب ثروت و خوشبختی خودشان معطوف است، به خوشبختی دیگران، به بهبود وضعیت بشر، و حتی به برخی هنرها یا فعالیت‌ها، نه به‌عنوان وسیله، بلکه به‌عنوان هدفی ایده‌آل، به‌این ترتیب، آن‌ها با هدف یا دستیابی به چیزی دیگر، خوشبختی را می‌یابند.

مطهری مبتنی بر نتایج پژوهش‌ها تأکید می‌کند: معمولاً افراد پس از پول خرج کردن برای دیگران، در جوامع صنعتی و پیشرفته پیوسته افزایش یافته، اما بر خوشبختی شهروندان به‌این میزان افزوده نشده‌است. مینبامطهری از اینجابه‌ای نتیجه می‌رسد که رشد صنعتی نمی‌تواند ملاکی برای خوشبختی آدمی باشد. مردم در جوامع صنعتی به‌ظاهر سعادتمندتر از مردم جوامع عقب‌مانده یا در حال توسعه هستند، ولی این راهم باید در نظر داشت که در جوامع صنعتی در کنار رفاه مادی، آفت‌هایی مانند افسردگی و تنهکاری نیز رشد می‌کنند.

مطابق نظریه‌های مطهری عواملی وجود دارد که بیش از رفاه در احساس خوشبختی مؤثر هستند. به نظر این پژوهشگر رابطه صمیمانه با همسر و نزدیکان است که آدمی را خوشبخت می‌سازد. او با آوردن شواهدی نشان می‌دهد که خوشبختی را صرفاً در موفقیت شغلی و پیشرفت حرفه‌ای و مالی می‌جویند و از خانواده و دوستان غافل می‌شوند به‌رغم رفاه و کامیابی حرفه‌ای. آن‌ها به‌شدت احساس بدبختی می‌کنند.

اما در این میان سارا یاخراچی، نظریه‌پرداز و تحلیلگر مسائل جامعه از زاویه دیگری به مقوله خوشبختی می‌نگرد. او نقش و عملکرد دولت‌ها را در حس خوشبختی افراد جامعه مؤثر دانسته و می‌گوید: میزان رضایت از زندگی و خوشبختی دلایل یا عناصر متعددی دارد. که بخشی از آن‌ها در کنترل برنامه‌ریزی‌های دولتی یا برنامه‌ریزی‌های عمومی‌های جامعه‌است، مثلاً یک نمونه‌اش همین تولید ناخالص داخلی دارد. از رفاه اقتصادی بیشتر برخوردارند و محتمل‌این امکان را دارند که مردم‌شان احساس خوشبختی بیشتری کنند. همین‌طور وقتی سلامتی در جامعه رواج پیدا می‌کند و طول عمر و میانگین سنی افراد بهبود پیدا می‌کند یا از میزان بیماری‌های روانی یا عدم سلامتی‌های روانی ذهنی کاسته می‌شود و همین‌طور عوامل دیگری که سازنده احساس رضایت از زندگی است، این‌ها همه در کنترل و تدبیر آدم‌های اداره کنندگی جامعه است و سیاست‌هایی که آن‌ها می‌گذارند.

او در ادامه عنوان می‌کند: برای همین است که امروزه رضایت از زندگی به مسئله سیاست‌گذاری اجتماعی پیوند خورده‌است و سیاست‌گذاران اجتماعی در کشور‌های مختلف تلاش می‌کنند با دست کاری این عوامل و بهبود عوامل زیاده رضایت از زندگی را بالا ببرند، از زندگی و حس خوشبختی را بالا ببرند، چون در واقع غایت زندگی جمعی آدم‌ها باهم در نسل‌های موجود این است که احساس خوشبختی یا رضایت بیشتری

اجتهای

رساله‌ت

عممای خوشبختی!



به موارد دیگری هم توجه کرد. تردیدی وجود ندارد که پول می‌تواند باعث شادی یا یک جور حس رضایت شود که شبیه تعبیر مهندسی خوشبختی یا مهندسی امنیت به‌همراه دارد و ترس و نگرانی مداوم مالی را کاهش می‌دهد اما پول به تنهایی باعث خوشبختی نمی‌شود. برخی عوامل دیگر مانند روابط، اهداف و رشد شخصی بر حس خوشبختی تأثیر می‌گذارد. شادی از آن تأکید می‌کند که رفاه مادی را تنها به‌عنوان هدفی ایده‌آل، به‌این ترتیب، آن‌ها با هدف یا دستیابی به چیزی دیگر، خوشبختی را می‌یابند.
مطهری مبتنی بر نتایج پژوهش‌ها تأکید می‌کند: معمولاً افراد پس از پول خرج کردن برای دیگران، در جوامع صنعتی و پیشرفته پیوسته افزایش یافته، اما بر خوشبختی شهروندان به‌این میزان افزوده نشده‌است. مینبامطهری از اینجابه‌ای نتیجه می‌رسد که رشد صنعتی نمی‌تواند ملاکی برای خوشبختی آدمی باشد. مردم در جوامع صنعتی به‌ظاهر سعادتمندتر از مردم جوامع عقب‌مانده یا در حال توسعه هستند، ولی این راهم باید در نظر داشت که در جوامع صنعتی در کنار رفاه مادی، آفت‌هایی مانند افسردگی و تنهکاری نیز رشد می‌کنند.

مطابق نظریه‌های مطهری عواملی وجود دارد که بیش از رفاه در احساس خوشبختی مؤثر هستند. به نظر این پژوهشگر رابطه صمیمانه با همسر و نزدیکان است که آدمی را خوشبخت می‌سازد. او با آوردن شواهدی نشان می‌دهد که خوشبختی را صرفاً در موفقیت شغلی و پیشرفت حرفه‌ای و مالی می‌جویند و از خانواده و دوستان غافل می‌شوند به‌رغم رفاه و کامیابی حرفه‌ای. آن‌ها به‌شدت احساس بدبختی می‌کنند.

اما در این میان سارا یاخراچی، نظریه‌پرداز و تحلیلگر مسائل جامعه از زاویه دیگری به مقوله خوشبختی می‌نگرد. او نقش و عملکرد دولت‌ها را در حس خوشبختی افراد جامعه مؤثر دانسته و می‌گوید: میزان رضایت از زندگی و خوشبختی دلایل یا عناصر متعددی دارد. که بخشی از آن‌ها در کنترل برنامه‌ریزی‌های دولتی یا برنامه‌ریزی‌های عمومی‌های جامعه‌است، مثلاً یک نمونه‌اش همین تولید ناخالص داخلی دارد. از رفاه اقتصادی بیشتر برخوردارند و محتمل‌این امکان را دارند که مردم‌شان احساس خوشبختی بیشتری کنند. همین‌طور وقتی سلامتی در جامعه رواج پیدا می‌کند و طول عمر و میانگین سنی افراد بهبود پیدا می‌کند یا از میزان بیماری‌های روانی یا عدم سلامتی‌های روانی ذهنی کاسته می‌شود و همین‌طور عوامل دیگری که سازنده احساس رضایت از زندگی است، این‌ها همه در کنترل و تدبیر آدم‌های اداره کنندگی جامعه است و سیاست‌هایی که آن‌ها می‌گذارند.

او در ادامه عنوان می‌کند: برای همین است که امروزه رضایت از زندگی به مسئله سیاست‌گذاری اجتماعی پیوند خورده‌است و سیاست‌گذاران اجتماعی در کشور‌های مختلف تلاش می‌کنند با دست کاری این عوامل و بهبود عوامل زیاده رضایت از زندگی را بالا ببرند، از زندگی و حس خوشبختی را بالا ببرند، چون در واقع غایت زندگی جمعی آدم‌ها باهم در نسل‌های موجود این است که احساس خوشبختی یا رضایت بیشتری

کسب درآمد بیشتر است. احمدی بر این تأکید می‌کند که رفاه مادی را تنها به‌عنوان هدفی ایده‌آل، به‌این ترتیب، آن‌ها با هدف یا دستیابی به چیزی دیگر، خوشبختی را می‌یابند.
مطهری مبتنی بر نتایج پژوهش‌ها تأکید می‌کند: معمولاً افراد پس از پول خرج کردن برای دیگران، در جوامع صنعتی و پیشرفته پیوسته افزایش یافته، اما بر خوشبختی شهروندان به‌این میزان افزوده نشده‌است. مینبامطهری از اینجابه‌ای نتیجه می‌رسد که رشد صنعتی نمی‌تواند ملاکی برای خوشبختی آدمی باشد. مردم در جوامع صنعتی به‌ظاهر سعادتمندتر از مردم جوامع عقب‌مانده یا در حال توسعه هستند، ولی این راهم باید در نظر داشت که در جوامع صنعتی در کنار رفاه مادی، آفت‌هایی مانند افسردگی و تنهکاری نیز رشد می‌کنند.

به گفته میرسیلمانی، کاملاً واضح است که پول می‌تواند برخی نیازهای ضروری زندگی را فراهم کند که کیفیت زندگی را بهبود می‌دهند، مانند مراقبت‌های بهداشتی و تحصیلات. اما این، خوشبختی نهایی را تضمین نمی‌کند. این مددکار اجتماعی اضافه می‌کند: «پول شرایط واقعی را بهبود می‌دهد، اما شادی واقعی و پایدار حاصل دشواری‌های فردی، ارتباطات قوی و رفاه روانی است.»
او توضیح می‌دهد که فرهنگ مصرفی عصر مدرن، در شکل‌گیری این تصور تأثیرگذار بوده‌است. تصور اینکه خرید کالا و خدمات باعث شادی و خوشبختی بیشتری شود، باعث شده تا باور کنیم که بیشتر داشتن به معنی رضایت بیشتری است.
طبیعی‌ترین اعتقاد دارد که تمایلات شخصی خودما به‌این‌یاورهادمن زده‌است. به گفته او، ما حتی اگر احساس آسایش داشته باشیم، باز هم قرض می‌گیریم که اگر بیشتر داشته‌ایم، خوشحال‌تر می‌будیم. حالا چه یک‌تومانیل جدید باشد یا شغل بهتر، خوانه بزرگ‌تر. اما واقعاً این‌طور نیست.
پژوهشگران شواهدی پیدا کرده‌اند که نشان دهنده ارتباط میان امنیت مادی با احساس شادی و رفاه ذهنی است. پژوهشی در سال ۲۰۱۰ نشان داد که درآمد بالاتر، رضایت بیشتری از زندگی را افزایش می‌دهد. زیرا پول، درد عاطفی ناشی از رویدادهای چالش‌برانگیز زندگی، مانند طلاق و مشکلات سلامتی را کاهش می‌دهد.
پژوهشگران شواهدی پیدا کرده‌اند که امنیت مادی با احساس شادی در ارتباط است. در واقع، پژوهش‌های نشان می‌دهند که در جوامعی که ثبات مالی وجود دارد، حس امنیت ارتباط تنگاتنگی با شادی و خوشبختی دارد. تحقیق دیگری در سال ۲۰۲۲، این بحث قدیمی را وارد مرحله جدیدی کرده است. این تحقیق نشان می‌دهد که درآمد بالاتر، دقیقاً باعث افزایش شادی و حس خوشبختی می‌شود. طبق نتایج این پژوهش، وقتی به‌نقطه‌شخصی خود رسیدید، ثبات مالی کافی را برای فرد به دست آورید، افزایش پیدا می‌کند. با وجود این پژوهشگران تأکید می‌کنند که پول به تنهایی منجر به شادی و خوشبختی نمی‌شود. درحالی‌که پول کافی را برای فرد به دست آورید، افزایش پیدا می‌کند. با وجود این پژوهش‌ها، امنیت، دسترسی به منابع و فرصت‌های رشد ابفا می‌کند. تمام این عوامل، بر رفاه و نتایج مثبت دارند.

شادی و خوشبختی را صرفاً به حساب بانکی گره نزنید
سهلند میرسیلمانی، مددکار اجتماعی و روان‌درمانگر بر این مسئله صحه می‌گذارد که خیلی ساده و سوسه انگیز است که تصور

سال چهارم = روزنامه ایران شماره ۱۱۲۶۵

کیمیز واز زندگی رضایت بخش، در درآمد بیشتر است. اما نباید شادی و خوشبختی را به حساب بانکی گره زد. درست است که پول بیشتر شادی را افزایش می‌دهد، اما تقل برای کسب درآمد بیشتر ممکن است کیفیت زندگی را کاهش دهد.

او با استاندارد نتایج برخی پژوهش‌ها عنوان می‌کند: «وقتی درآمد از یک سطح آستانه مشخص، که در جوامع غربی، غالباً بین ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ دلار در سال تخمین زده می‌شود، فراتر می‌رود، شادی حاصل از درآمد اضافی به‌تدریج کاهش می‌یابد. اگر در وضعیتی باشید که برای تأمین نیازهای اولیه خود به سختی بکفایتید، افزایش درآمد تغییر زیادی در احساس خوشبختی شما ایجاد می‌کند. اما اگر آسایش مادی و اوضاع مالی خوبی داشته باشید، درآمد اضافی سلا به چمتان بفوایدش، مانند دوست داریم این‌طور تصور کنیم که پول حال همه مشکلات است. اما حقیقت این است که تلاش برای کسب سود مالی ممکن است نسبت به فوایدش، زیان‌های بیشتری داشته‌باشد. به‌خصوص اگر روابط سالم و ارتباطات اجتماعی راحت‌الشعاع خود قرار دهد. آیا حاضری به‌خاطر پول، اندازید؟ آیا پول ارزشش را دارد؟ رابطه‌های قوی و تعاملات اجتماعی، ضامن سلامت پولی، مشکلات زیادی را حل می‌کنند، اما نبود امنیت نسبت به فوایدش، زیان‌های بیشتری دارد. در شکل‌گیری این تصور تأثیرگذار بوده‌است. تصور اینکه خرید کالا و خدمات باعث شادی و خوشبختی بیشتری شود، باعث شده تا باور کنیم که بیشتر داشتن به معنی رضایت بیشتری است.

او توضیح می‌دهد که فرهنگ مصرفی عصر مدرن، در شکل‌گیری این تصور تأثیرگذار بوده‌است. تصور اینکه خرید کالا و خدمات باعث شادی و خوشبختی بیشتری شود، باعث شده تا باور کنیم که بیشتر داشتن به معنی رضایت بیشتری است.
طبیعی‌ترین اعتقاد دارد که تمایلات شخصی خودما به‌این‌یاورهادمن زده‌است. به گفته او، ما حتی اگر احساس آسایش داشته باشیم، باز هم قرض می‌گیریم که اگر بیشتر داشته‌ایم، خوشحال‌تر می‌будیم. حالا چه یک‌تومانیل جدید باشد یا شغل خد لذت بزرگ‌تر. اما واقعاً این‌طور نیست.
پژوهشگران شواهدی پیدا کرده‌اند که نشان دهنده ارتباط میان امنیت مادی با احساس شادی و رفاه ذهنی است. پژوهشی در سال ۲۰۱۰ نشان داد که درآمد بالاتر، رضایت بیشتری از زندگی را افزایش می‌دهد. زیرا پول، درد عاطفی ناشی از رویدادهای چالش‌برانگیز زندگی، مانند طلاق و مشکلات سلامتی را کاهش می‌دهد.
پژوهشگران شواهدی پیدا کرده‌اند که امنیت مادی با احساس شادی در ارتباط است. در واقع، پژوهش‌های نشان می‌دهند که در جوامعی که ثبات مالی وجود دارد، حس امنیت ارتباط تنگاتنگی با شادی و خوشبختی دارد. تحقیق دیگری در سال ۲۰۲۲، این بحث قدیمی را وارد مرحله جدیدی کرده است. این تحقیق نشان می‌دهد که درآمد بالاتر، دقیقاً باعث افزایش شادی و حس خوشبختی می‌شود. طبق نتایج این پژوهش، وقتی به‌نقطه‌شخصی خود رسیدید، ثبات مالی کافی را برای فرد به دست آورید، افزایش پیدا می‌کند. با وجود این پژوهش‌ها، امنیت، دسترسی به منابع و فرصت‌های رشد ابفا می‌کند. تمام این عوامل، بر رفاه و نتایج مثبت دارند.

شادی و خوشبختی را صرفاً به حساب بانکی گره نزنید
سهلند میرسیلمانی، مددکار اجتماعی و روان‌درمانگر بر این مسئله صحه می‌گذارد که خیلی ساده و سوسه انگیز است که تصور می‌شود. درحالی‌که پول کافی را برای فرد به دست آورید، افزایش پیدا می‌کند. با وجود این پژوهش‌ها، امنیت، دسترسی به منابع و فرصت‌های رشد ابفا می‌کند. تمام این عوامل، بر رفاه و نتایج مثبت دارند.

سهلند میرسیلمانی، مددکار اجتماعی و روان‌درمانگر بر این مسئله صحه می‌گذارد که خیلی ساده و سوسه انگیز است که تصور

تدوین اساسنامه بیمارستان‌های مستقل و خودگردان



مفهوم بیمارستان مستقل و خودگردان اظهار کرد: بیمارستان خودگردان، واحدی اجرایی با اختیارات متوازن در تمامی ابعاد سازمانی اعم از حکمرانی، مالی، منابع انسانی و فیزیکی است که مسئولیت ارائه خدمات تشخیصی، درمانی، آموزشی و پژوهشی را با رویکرد جامعه‌نگر و سلامت محور برعهده دارد. بنابر اعلام وزارت بهداشت، به گفته وی، تدوین اساسنامه بیمارستان‌های مستقل و خودگردان در راستای بند (۷) سیاست‌های کلی

مؤثر مدیریت می‌باشد.
مفهوم بیمارستان مستقل و خودگردان اظهار کرد: بیمارستان خودگردان، واحدی اجرایی با اختیارات متوازن در تمامی ابعاد سازمانی اعم از حکمرانی، مالی، منابع انسانی و فیزیکی است که مسئولیت ارائه خدمات تشخیصی، درمانی، آموزشی و پژوهشی را با رویکرد جامعه‌نگر و سلامت محور برعهده دارد. بنابر اعلام وزارت بهداشت، به گفته وی، تدوین اساسنامه بیمارستان‌های مستقل و خودگردان در راستای بند (۷) سیاست‌های کلی